



# خاموشی

هیاهوی خاموشی

تحلیل و ترجمه ترانه‌های غربی برگزیده  
ترجمه و تألیف:  
مانی مظاهری محمدسپرو میثم مظاهری





عنوان و نام مترجمان: میاهوی خاموشی / مانس مظاهری - ۱۳۶۸

محمد سرو - ۱۳۶۴

میشم مظاهری - ۱۳۶۱

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: [۱۸۴]ص.

شابک: ۱ - ۶۸۰ - ۳۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

موضوع: ترانه‌های انگلیسی - ترجمه شده به فارسی - قرن ۲۰ م

رده بندی کنگره: PR

رده بندی دیویی: ۸۲۱/۴۱۹

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۳۵۷۶۰

# هياهوى خاموشى

تحليل و ترجمه ترانه‌هاى برگزيده غربى

گردآورندگان و مترجمان:

مانى مظاهرى، محمد سرو، ميشم مظاهرى

## فصل پنجم / ناشر تخصصی شعر

---

هیاهوی خاموش / مانس مظاهری - محمد سرو - میثم مظاهری

چاپ اول: اسفند ۱۳۹۸ / شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۶۸۰-۱

صندوق پستی ناشر: ۱۳۱۴۵-۴۵۱

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۶۶۹۰۹۸۹۱ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

## فهرست

- ۱۲..... Hey You/ Pink Floyd • پینک فلوید / آهای تو
- ۲۰ ..The Sound of Silence/ Simon & Garfunkel • سایمون و گارفانکل / هیاهوی خاموشی
- ۲۸..... Epitaph/ King Crimson • کینگ کریمسون / گورنشته
- ۳۴..... School/ supertramp • سوپرترامپ / مدرسه
- ۴۲..... Californication/ Red Hot Chili Peppers • کالیفرنزا/ رد هات چیلی پیپرز
- ۵۲..... The Show Must Go On/ Queen • نمایش باید پیش رود/ فردی مِرقوری
- ۶۲..... Imagine/ John Lennon • تصور کن/ جان لنون
- ۷۰..... We Are the World/ USA for Africa • همه هستی ماییم/ امریکا برای آفریقا
- ۷۸..... Inshallah/ Sting • ان شاءالله/ استینگ
- ۸۴..... Democracy/ Leonard Cohen • دموکراسی/ لئونارد کوهن
- ۹۴..... Strange Fruit/ Billie Holiday • میوه عجیب/ بیلی هالییدی
- ۱۰۰..... Get up, Stand Up/ Bob Marley • بیدار شو، بپاخیز/ باب مارلی و ویلرز
- ۱۰۸.. Where Have All the Flowers gone/ pete Seeger • چی شدن اون گل‌ها/ پیت سیگر
- ۱۱۶..... Sam Stone/ John Prine • سم استون/ جان پراین
- ۱۲۴..... Hurt/ Nine Inch Nails • زخم/ ناین اینچ نیلز
- ۱۳۲..... Hotel California/ Eagles • هتل کالیفرنیا/ ایگلز
- ۱۴۴..... Nuclear/ Mike Oldfield • اتمی/ مایک اُدفیلد
- ۱۵۲..... Humanity/ Scorpions • انسانیت/ اسکورپیونز
- ۱۶۰..... In the Year 2525/ Zager & Evans • در سال ۲۵۲۵/ زَگر اند ایوانس
- ۱۷۰..... Amused to Death/ Roger Waters • سرگرم تا سرحد مرگ/ راجر واترز



## پیش‌گفتار

آنچه در پس کلمات یک ترانه می‌گذرد و آنچه باعث آفرینش آن ترانه می‌شود گاهی بیان شده و اغلب ناگفته مانده است. کشف پشت پرده ترانه‌های تأثیرگذار جهان هدفی‌ست که ما را به تألیف این کتاب واداشت. کتابی که با پنج سال پژوهش و ترجمه و با نگاهی تحلیلی به آثار موسیقایی که پیش از این سابقه نداشت نگاشته شد. «هیاهوی خاموشی» بررسی، تحلیل و ترجمه ترانه‌هایی‌ست که حرفی برای گفتن دارند و در زمان انتشار و پس از آن تأثیرگذار بوده‌اند تا آنجا که به بسیاری از زبان‌های جهان بازخوانی شده‌اند و در فرهنگ‌های مختلف تأثیرات متفاوتی داشته‌اند. در کتاب پیش رو مجموعه‌ای از ترانه‌های انگلیسی از گروه‌ها و افراد پیشتاز در موسیقی راک گزینش شده، ترانه‌هایی که ممکن است برای مردم ایران مشهور و محبوب باشند و یا ترانه‌هایی که هنوز آنچنان که باید شناخته نشده‌اند. دایره مخاطبان این کتاب به علاقمندان عرصه موسیقی و خوانندگان و آهنگسازان محدود نمی‌شود و ترانه‌سرایان و شاعران به دلیل تنوع ترانه‌های مهم و الهام‌بخش جهان، و مترجمان به دلیل مقایسه متن مبدأ و متن مقصد و ریزه‌کاری‌های بسیاری که در ترجمه اعمال شده می‌توانند از خواندن این کتاب لذت ببرند. حتا مردم عادی که هرگز مخاطب ترانه‌های غیرفارسی نبوده‌اند بدون شک با خواندن ترجمه و تفسیرهای کتاب به شنیدن ترانه‌ها مشتاق خواهند شد. با توجه به اینکه پس از موشکافی آثار دلایل ماندگاری و فراگیری آن‌ها به روشنی نمایان می‌شود، هنرمندان ما نیز می‌توانند نکات کلیدی را برای خلق یک



اثر جهانی دریابند.

هیاهوی خاموشی کتابی تحقیقی - تألیفی است که با پژوهش در ترانه‌های سروده شده در نیم قرن اخیر مفاهیم متعدد و متنوع را کاوش کرده و برای جلوگیری از ملال، از هر فصل ترانه‌سازی و از جهان‌های بسیار شاعران و آهنگسازان و خوانندگان، ناب‌ترین نمونه را از فهرست‌های مختلف آثار جهان که در مجلات و سایت‌های معتبر موسیقی چون رولینگ استون، متال همِر، کلاسیک راک، لودوایِر، آنکات و کِرانگ منتشر شده است، انتخاب کرده ایم.

از آنجا که تفسیر ترانه‌ها به تمامی تازه و بی‌بدیل است مطالعه این تفاسیر برای مخاطب غیرفارسی زبان نیز جذاب و خواندنی خواهد بود. ما پس از انتخاب اثر ابتدا به پژوهش درباره پدیده‌آوردنده‌گان آن پرداختیم و تمام اطلاعات پیرامون اثر را با در نظر گرفتن زمانه‌ای که باعث خلق آن شده گرد آوریم، سپس متن ترانه را واژه به واژه با وسواس بسیار و کمک گرفتن از دایرةالمعارف‌های متعدد زبان و فرهنگ عامه، بخصوص کاربرد اصطلاحات خاص در بازه زمانی پدید آمدن ترانه، برگردان و ترجمه کردیم. در ترجمه، نخستین مبنای صحت و وفاداری به سروده شاعر بوده است و در گام بعدی استفاده گاه و بیگاه از کلمات فارسی کمتر شناخته شده در بیان مردم امروز، با هدف کمک به انتقال مفهوم ترانه، مدنظر قرار گرفت و پس از این نیز با مرور چندین و چند باره ترجمه ترانه، ارتباط طولی اجرا و کلمات از نظر معنا و پیوستگی بررسی شد و تا آنجا که ترجمه از اصل اثر دور نشود، به موسیقی کلمات و زیبایی سخن نیز توجه بسیار گردید.

بدون شک ترانه‌های عمیق، اشعار و متن‌های عمیقی نیز دارند و درک کامل و صحیح آن‌ها باعث خواهد شد تا مخاطب از شنیدن اثر لذت بیشتری ببرد و این درک با یک ترجمه ساده و مرسوم به دست نخواهد آمد و لازم است که با سفر به عمق نغمه‌ها و کلمه‌ها، بر خلاف آنچه که در کتاب‌های ترجمه موجود در بازار رایج است ترجمه‌ای تحلیلی و نغز از اثر ارائه شود. چرا که در ترجمه آثار مشهور، بسیار دیده می‌شود که

مترجمانِ حتا شناخته شده به سادگی از کنار اصطلاحات شعر و ترانه می‌گذرند و سهل‌ترین و در دسترس‌ترین کلمات را انتخاب می‌کنند و این می‌شود که مخاطب تیزبین و باهوش ایرانی حتا رغبتی به خواندن متن ترجمه تا به انتها ندارد و اگر هم ترجمه را بخواند مفهوم یک دست و منسجمی را از اثر در نمی‌یابد. ما در این کتاب علاوه بر توجه به تمام آنچه گفته شد، روزها و حتا گاهی ماه‌ها برای انتخاب یک کلمه و یا یک اصطلاح زمان صرف کردیم و در برخی موارد نیز برای معادل برخی جمله‌ها از آنچه در ادبیات فارسی مشهور و پرکاربرد است بهره بردیم. البته ناگفته نماند که در سال‌های آغاز گردآوری کتاب به ترجمهٔ ترانه بر مبنای موسیقی خود اثر و روی همان وزن که ترانه نوشته شده بود پرداختیم اما پس از چند مورد نظرسنجی، از چند گروه از شاعران و مترجمان به این نتیجه رسیدیم که در حال حاضر این نوع ترجمه به مذاق مخاطبان فارسی زبان خوش نمی‌آید. اگرچه وزن عروضی و قافیه‌پردازی در ترجمه‌ها اعمال نشد اما ترجمهٔ هر ترانه با توجه به لحن اثر، خواه محاوره، رسمی، کوچه‌بازاری و یا علمی، انجام شد و موسیقیِ چیدمان کلمات هیچ‌گاه از نظر دور نماند و نیز این گزینش به گونه‌ای است که احساس اثر را نیز به مخاطب منتقل کند و خوانندهٔ کتاب از مطالعه و همراهی کردن با متن لذت ببرد و صرفاً با یک ترجمه خشک و بی‌روح مواجه نباشد.

پس از ترجمه، آنچه را که در حین بررسی کلماتِ شاعر کشف کردیم را با آنچه در اخبار پیرامون اثر و مصاحبه‌ها و گفت و شنیدها به دست آوردیم تطبیق دادیم و به سمت کشف دنیایی که ترانه از آن سخن گفته است، گام برداشتیم. این اتفاق در مورد تمام اثر منتخب در این کتاب افتاده است، آثاری که هر کدام از دنیای مختص به خود سخن می‌گویند و بدون شک مخاطب با سیر کردن در تک تک این ترانه‌ها جهانی تازه و متفاوت از ترانهٔ قبل و بعد را تجربه خواهد کرد. چرا که انتخاب ترانه‌ها با وسواس و دقت بسیار از بین صدها اثر مشهور و تأثیرگذار صورت گرفته و به ترتیبی معنادار همچون کاروانی از نغمه و ساز در پی هم چیده شده است. با نگاه به فهرست

کتاب مخاطب در می‌باید که چیدمان ترانه‌ها خود نمایانگر یک سیر و سلوک معنادار است. ترانه‌هایی که با آغاز خودشناسی کوک می‌شوند و به فرجام جهان می‌انجامند. در ترانه‌های گزینش شده، مفاهیم دست اول بسیاری موج می‌زند که خود مبنای یک حرکت و موج، چه در جامعه و چه در ادبیات و موسیقی شده‌اند. مرزهای جغرافیایی، تئاتر دنیا، دیوار، بیان جهان‌بینی‌های نو، دموکراسی امریکایی، اسارت رسانه‌ای، جنگ و آنچه قهرمانانش با خود می‌آورند، دنیای دیگر و ...

کتاب از درون انسان و تلاش برای شناخت خویش آغاز می‌شود و از دیوارهایی می‌گوید که ما را محدود و یا محفوظ می‌کند، دیوار حایل، دیوار تنهایی، دیوار شیشه‌ای رسانه‌ها و هر چه که میان من و دنیای بیکران بایستد. «ولی اینا خیال بود؛ دیوار بلندتر از این حرفاست، همینطوری که پیدااست.» پس از چند کنکاش این‌چینی، در لحظه‌های ناامیدی، امید را فریاد می‌زنیم و اینکه باید تاب آورد، باید ادامه داد. «دل‌م از درون می‌شکند، گرمم فرو می‌ریزد، لبخندم اما پا برجاست، نمایش باید که پیش برود!» اینگونه از رویاهایمان و آنچه تنها در تصور می‌گنجد می‌خوانیم، جهان را بنی‌آدم می‌دانیم. «تصور کن بهشتی نیست، اگه سعی کنی آسونه، زیر پامون دوزخی نیست، بالا فقط آسونه» و از خدا می‌خواهیم که ما را از این توفان برهاند. «اگر خواست تو باشد، شاید این‌ها سرآید.» آنگاه که بیدار شدیم، «بیدار شو، بپاخیز، برای حقت بپاخیز.» افکاری که سیاستمداران به جامعه تزریق می‌کنند را به چالش می‌کشیم «از آتش بی‌خانمان‌ها، از خاکستر همجنس‌گراها، دموکراسی به سمت امریکا میاد.» بیدار می‌شویم، تغییر می‌دهیم، می‌جنگیم، می‌جنگیم و می‌جنگیم و از سربازانی که رفتند و سربازانی که ماندند «چی شدن اون سربازا؟ رفتن توی گور تک تکشون! و زجر جانبازان را یاد می‌کنیم «سم استون اومد خونه، بعد از سربازی توی جنگ اونور مرزها، موجی شد، یه ترکش کوچولو هم توی زانوش جا موند.» آینده‌جهانی که رها شده در خودخواهی و رها شده در تن‌آسایی را در غبار می‌بینیم و خودمان را تا سر حد مرگ با رسانه‌ها سرگرم می‌کنیم. «ته اشکی برای گریه کردن، نه احساسی مانده، این

گونه‌ی بشر خودش رو تا سرحد مرگ سرگرم کرده»  
نکته‌ای که در پایان باید گفت، این است که تمام ترانه‌های این کتاب در زمان و مکان مشخصی اتفاق افتاده است و بیانگر حال و قال آن برهه و آن دیار است.



Pink Floyd

## آهای تو

ترانه‌سرا: راجر واترز

گروه: پینک فلوید

سال انتشار: ۱۹۷۹

Hey You  
Pink Floyd

اندیشمندی گفت:

«دیوار گاهی برای تنهایی و دوری از دیگران قدمی کشد و گاهی برای در خود فرو مردن...»

«دیوار»<sup>۱</sup> را با مفهوم فلسفی و روانشناسی ۴۰ سال پیش «پینک فلوید»<sup>۲</sup> در ادبیات معاصر جهان بنا نهاد و طی این سال‌ها شاعران، نویسندگان و اندیشمندان، آثار بسیاری تحت تأثیر این مفهوم خلق کردند و دیدگاه‌های متنوعی با این موضوع ارائه دادند که گاه، دیوار را حریم و گاه، حصار خواندند که نمونه‌های شاخص بهره بردن از این مفهوم در شعر فارسی هم کم نیست:

«یه دیواره یه دیواره یه دیواره»<sup>۳</sup>

توی این دیوار سنگی

دوتا پنجره اسیرن<sup>۴</sup>

امید رهایی نیست وقتی همه دیواریم...»<sup>۵</sup>

دیوار را اگرچه «راجر واترز»<sup>۶</sup> بی‌ریزی کرد و هر روز آن را بالاتر و بالاتر برد. (Roger, did it need to be so high?)

اما به نام گروه منتشر شد و مدت‌ها در صدر پرفروش‌ترین‌های جهان بود و جایزه‌های بی‌شماری دریافت کرد. این مفهوم در آغاز، اعتراضی فلسفی به حریم خصوصی و آزادی یا اسارت اندیشه بود (چونان کتاب ۱۹۸۴ جورج آرول)<sup>۷</sup> اما این قابلیت را داشت که گسترده‌تر از این‌ها تعریف شود که در کنسرت‌های آن سال‌ها با دیوار برلین پیوند خورد و بعد با دیوار حائل فلسطین اشغالی و هر ساختار مرزسازی که این سو و آن سو،

۱. The Wall .۱

Pink Floyd .۲

۳. ترانه دیوار از فرامرز اصلانی

۴. ترانه دو پنجره از شهیار قنبری

۵. غزل دیوار از حسین منزوی

Roger Waters ۶

۷. رمان ۱۹۸۴ ماجرای انسان‌هایی را روایت می‌کند که تحت کنترل شدید دوربین‌های امنیتی در حصار از محدودیت‌ها محصور شده‌اند

ایجاد می‌کند. راجر در کنسرت‌های آلبوم دیوار، همگام با ترانه‌ها آجرهای بزرگی را روی صحنه می‌چید که در نیمه کنسرت به دیواری عظیم بین تماشاچیان و گروه بدل می‌شد و ادامه کنسرت از آن سوی دیوار، برای تماشاچی این سوی دیوار اجرا می‌شد! (به راستی که چه کسی با این جسارت فریاد اعتراضش را در کنسرت ابراز می‌کند؟) و در انتهای کنسرت دیوار فرو می‌ریخت.

اما دیوار پینک فلوید ۲۶ آجر دارد که نقد و تفسیر آجر به آجر این دیوار ساعت‌ها زمان و متنی بس طولانی می‌طلبد. هدف ما اما آغازین ترانه دیسک دوم است (هرچند بررسی جداگانه ترانه‌های آلبوم با توجه به انسجام معنایی کل آلبوم شاید صحیح ننماید)

دیسک اول آلبوم به ماجرای پیش از پا به سن گذاشتن «پینک»، شخصیت اصلی داستان می‌پردازد. در دیسک دوم پینک تنها، محبوس در اعتقادات و افکار و ناامیدی‌ها با دیواری محاصره شده، دیواری که هر آجر آن بخشی از زندگی گذشته اوست، مرگ پدر در جنگ، وسواس مراقبت‌های مادرش، جو دیکتاتوری حاکم بر مدرسه و معلمی که او را تنبیه و تحقیر کرد و خیانت همسرش، آجرهایی‌ست که او را به انزوا کشانده است. در ترانه «آهای تو» پینک، خسته از فرار از جامعه و اجتناب از محیط اطرافش، در پی برقراری ارتباط با دنیای خارج است، اما خاطرات و کوله‌بار کودکی و نوجوانی او هر کدام آجری شده در دیوار تنهایی‌اش. هرچند که پینک در تلاش برای ساختن و ویران کردن دیوار است و سعی دارد تا مردم را از وضعیت خودش با خبر کند و از آن‌ها می‌خواهد تا او را احساس کنند، او را لمس کنند، کمکش کنند و یا حداقل صدایش را بشنوند. اما در نهایت در می‌یابد که تلاشش راه به جایی نمی‌برد و کسی پاسخی به او نمی‌دهد و در متن ترانه، تکرار «آهای تو» همین احساس ناامیدی و نبودن روزن‌رهایی را با وجود تقلا می‌آورد و چنگ زدنش به دیوار تداعی می‌کند.

در ترانه اصطلاحات و مفاهیمی آمده که با رویکردهای مختلف قابل نقد و تفسیر است، مفاهیمی چون "Out in the Cold" که به فردی جدا افتاده و بی‌نصیب از

جمع اشاره دارد و شاعر او را کسی می‌داند که می‌تواند احساسش را درک کند؛ و در ادامه به دودل بودن در راهروی کلیسا برای ازدواج یا فرار از آن اشاره می‌شود و جای دیگر درخواست کمک برای حمل سنگ و بار مسئولیت و مشکلات بیان شده، که در کنار اشاره به سنگ‌های تشکیل دهنده دیوار به داستان معروف سیزیف، اسطوره یونانی و مجازات ابدی او برای بردن صخره به بالای کوه اشاره دارد که «آلبر کامو» پیروزی سیزیف را در گرو آگاهی می‌داند، اما پینک فلوید این آگاهی را در میانه ترانه، ناممکن می‌داند و دیوار را بلندتر از آنکه بشود انتهایش را دید وصف می‌کند و راهی برای رهایی از افکار مغز مسموم نمی‌یابد، تا آنجا که به سربازان ضدشورش، که گوش به فرمان در خیابان‌ها ایستاده‌اند اشاره می‌کند و از آن‌ها کمک می‌خواهد و سپس معترضان و بطری‌های کوکتل مولوتف‌شان ترانه را به سوی اتحاد و پابرجا بودن چون دیوار یا تفرقه و فرو ریختن چون دیوار می‌خواند!

سال ۲۰۱۷ و در تولد ۷۱ سالگی خالق دیوار، فیلمی در سینماهای جهان به نمایش درآمد که دیوار را دوباره بالاتر برد و تعبیری تازه از آن ارائه کرد.

فیلم مستند «دیوار راجر واترز» این بار تلفیقی از کنسرت و فیلم و دنیای حقیقی و مجازی بود، و تعریف تازه‌ای از دیوار، فاصله این دو دنیا را نشان داد، دیواری شیشه‌ای که میان ما و مای دیگر ایستاده است، اما این بار فقط یک دیوار فرو نمی‌ریزد، بلکه دیوارهای بسیاری که بین ما و حقیقت‌مان قد کشیده‌اند می‌شکنند و در پس هر دیوار، دیواری دیگر است. دیوار سانسور، دیوار جنگ، دیوار ترس، دیوار طمع و...

جناب واترز، دیوار را اعتراضی علیه خشونت و درگیری‌های مسلحانه در جهان می‌داند و کنایه‌ای نیز به روزمرگی می‌زند و می‌گوید: «فکر می‌کنم مردم از بس شنیده‌اند که مهم‌ترین چیز در زندگی تجارت و تکنولوژی‌های جدید است، بیمار و خسته شده‌اند، و فکر می‌کنم احتمالاً همه آدم‌ها حاضرند این شرایط را تغییر دهند چراکه ما نمی‌خواهیم بیش از این از جانب سیاستمداران چیزی بشنویم، و همه شعارهای زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی و فلسفی ما را به سمت پرتاب بمب به سوی دیوار سوق می‌دهد.»



«آهای تو»

[گیلمور:]

آهای تویی که رها شدی  
داری پیر می‌شی، داری تنها می‌شی  
می‌تونی در کم کنی؟  
آهای تویی که وایستادی بین دوراهی  
با پاهایی که بی‌قرار رفتنه و لبخندی که محو می‌شه  
می‌تونی در کم کنی؟  
با توام، کمک نکن که نور رو پنهان کنن  
بدون جنگیدن تسلیم نشو

آهای تویی که تنهایی  
پای تلفن عریان نشستی  
می‌شه لمسم کنی؟  
آهای تویی که گوش‌ت به دیواره  
وایسادی تا کسی صدات کنه  
می‌شه لمسم کنی؟  
با توام، کمک می‌کنی این بار رو به دوش بکشم  
آغوش‌ت رو باز کن، دارم میام به خونه

"Hey You"

[Gilmour:]

Hey you, out there in the cold

Getting lonely, getting old

Can you feel me?

Hey you, standing in the aisles

With itchy feet and fading smiles

Can you feel me?

Hey you, dont help them to bury the light

Don't give in without a fight

Hey you, out there on your own

Sitting naked by the phone

Would you touch me?

Hey you, with you ear against the wall

Waiting for someone to call out

Would you touch me?

Hey you, would you help me to carry the stone?

Open your heart, I'm coming home

[واترز:]

ولی اینا خیال بود  
دیوار بلندتر از این حرفاست  
همینجوری که پیداست  
مهم نیست چقدر تلاش کرد  
نمی‌تونست رها شه  
مغزش رو کرم زده بود

آهای تویی که توی خیابونی  
همیشه مطیع امری  
می‌تونی کمکم کنی؟  
آهای تویی که اون طرف دیواری  
توی راهروی ساختمونا بطری پرتاب می‌کنی  
می‌تونی کمکم کنی؟  
با توأم، نگو که هیچ امیدی نیست  
با هم پابرجاییم، جدا از هم فرو می‌ریزیم

[Waters:]

But it was only fantasy  
The wall was too high  
As you can see  
No matter how he tried  
He could not break free  
And the worms ate into his brain

Hey you, standing in the road  
Always doing what you're told  
Can you help me?  
Hey you, out there beyond the wall  
Breaking bottles in the hall  
Can you help me?  
Hey you, don't tell me there's no hope at all  
Together we stand, divided we fall